

## دسته‌بندی تحلیلی آیات «محاسبه نفس» و بررسی بازتاب آنها در آثار عرفانی

m.miri57@ut.ac.ir

محمد میری / استادیار دانشکده معارف اسلامی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

### چکیده

افزون بر آیه «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» که دستور صریح به پرداختن به محاسبه نفس است، آیات بسیار دیگری در قرآن کریم به چشم می‌خورد که آنها هم به نوعی فراخوانی به محاسبه نفس دارند. مقاله پیش رو پژوهشی است که برای نخستین بار کوشیده است تا نگاه تفصیلی قرآن به مسئله محاسبه نفس را بررسی و تحلیل کند. مجموعه آیات قرآنی‌ای که دلالتی روشن بر محاسبه نفس دارند، مطابق آنچه در این پژوهش آمده است، می‌توان در یازده بخش دسته‌بندی کرد. اگرچه اصل اهمیت محاسبه نفس مورد توافق همه امت اسلام است، اما عارفان مسلمان بیش از دیگر نحله‌های اسلامی به آیات محاسبه نفس توجه نشان داده‌اند و از این رو در این پژوهش، بازتاب هر کدام از این یازده دسته از آیات شریفه قرآن کریم در آثار عرفانی درباره محاسبه نفس نیز بررسی قرار شده است. اشاره به حداقل برخی از آیات مندرج در هر کدام از این یازده دسته را می‌توان در آثار عرفانی مربوط به محاسبه نفس دنبال کرد؛ اما به رغم اهمیت مسئله، حتی در میان عارفان نیز تا کنون کسی درصدد جمع‌آوری و تحلیل همه آیات قرآن در این باره نبوده است.

**کلیدواژه‌ها:** عرفان عملی، محاسبه نفس، آیات عرفانی.

بدون تردید بزرگ‌ترین اشکال وارد بر جهله صوفیه و مدعیان دروغین عرفان، فاصله گرفتن آنها از کتاب و سنت است که در این باره تحقیقات فراوانی صورت گرفته است (ر.ک شریفی، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۵۳؛ بارفروش، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹؛ روحانی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷)؛ اما باید به این مهم توجه داشت که میان عرفان راستین و تصوف دروغین، تفاوت بسیار است. سراسر عرفان راستین اسلامی، برگرفته از آموزه‌های دینی است و بزرگان عرفان حقیقی، شریعت را در کار خود اصلی‌ترین میزان می‌دانند و کوچک‌ترین زاویه و فاصله با شریعت و آموزه‌های قرآنی و روایی را بر نمی‌تابند (امینی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹-۱۰۲).

در این راستا، امروزه، جای خالی فقه‌السلوک در مباحث و تحقیقات مختلف عرفانی به چشم می‌خورد. مراد از فقه‌السلوک، بررسی تفصیلی دیدگاه شریعت اسلامی درباره مباحث سلوکی مطرح در عرفان عملی است. به هر روی نباید فقه را منحصر در احکام عملی مربوط به فروع دین دانست؛ بلکه فقه اکبر (ر.ک: عصار، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹؛ اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۶۱۲). به مباحث توحیدی و الهی و تهذیب نفس می‌پردازد؛ و چنانکه آن را فقه اکبر و بزرگ‌تر نامیده‌اند، جایگاه مباحث فقه‌السلوک، به هیچ وجه پایین‌تر از مباحث مطرح در فقه اصغر نخواهد بود.

این پژوهش بر آن است تا دیدگاه تفصیلی قرآن کریم درباره محاسبه نفس را - که یک دستور مهم و مورد تأکید در آموزه‌های دینی است و در عرفان راستین اسلامی نیز جایگاه بسیار مهمی دارد - بررسی کند و آیاتی از قرآن را که بیشترین ارتباط با محاسبه نفس دارند، را در یک قالب تحلیلی دسته‌بندی نماید.

متأسفانه تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه نگاه تفصیلی قرآن به دستور محاسبه نفس صورت نگرفته است. اهمیت فوق‌العاده‌ای که شریعت اسلام برای محاسبه در نظر گرفته است و فراوانی و گستردگی آموزه‌های قرآنی مرتبط با محاسبه، ضرورت‌بخش توجه ویژه به نگاه قرآن درباره محاسبه نفس است؛ اما حتی سید بن طاووس نیز در رساله *محاسبه نفس* در مقام ذکر آیات مرتبط با محاسبه، به ذکر تنها چند آیه بسنده کرده است. وی در بخشی از این رساله تحت عنوان «الباب الأول: فیما نذکره من الآیات التي تقتضی ذکر الاهتمام بمحاسبة النفس لحفظه الکرام»، بیش از سه آیه ذکر نکرده است (ابن طاووس؛ کفمی، ۱۳۷۶، ص ۱۲). فیض کاشانی هم در کتاب *الحقائق فی محاسن الاخلاق*، در ابتدای مبحث محاسبه نفس، تنها شش آیه قرآن را برای نشان دادن ریشه‌های قرآنی محاسبه نفس ذکر کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۳). مرحوم نراقی نیز در بخش مربوط به محاسبه نفس، از کتاب *جامع السعادات* به ذکر هفت آیه بسنده نموده است<sup>۱</sup> (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۹۰).

قبل از ورود به دسته‌بندی آیات ناظر به محاسبه نفس، به این نکته باید توجه داشت که آیات مرتبط با محاسبه، به جز آیه «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸) صریحاً و به طور مستقیم دستور به محاسبه نفس نیستند؛ بلکه دلالت مطابقی آنها مربوط به حساب و کتاب اعمال انسان در روز قیامت و

مسائل پیرامونی آن است و به دلالت التزامی، بر ضرورت پرداختن به محاسبه نفس در این دنیا تأکید دارند. به دیگر سخن، اینکه در روز حساب کوچک‌ترین اعمال انسان از قلم نمی‌افتد و از او در مورد تک‌تک رفتارها و نعمت‌های او در دنیا بازخواست می‌شود و شاهدان متعددی بر ضد او در دادگاه الهی گواهی می‌دهند و نکوهش‌های قرآنی از فراموشی و انکار حساب قیامت و نکات متعدد دیگری که به حساب و کتاب یوم‌الحساب نظر دارند، هر کدام به‌گونه‌ای انسان را به نظر افکندن به کارنامه اعمالش و حسابرسی خود پیش از موعد حساب دقیق و سخت یوم‌الحساب فرا می‌خواند. دلالت التزامی این بخش قابل توجه از آیات قرآن کریم بر ضرورت توجه به امر خطیر محاسبه نفس موجب شد تا نوشته‌های اخلاقی و عرفانی برای اشاره به ریشه‌های قرآنی دستور سلوکی محاسبه نفس، به این بخش از آیات تمسک جویند.

اعلم ان الكتاب والسنة وإجماع الأمة دالة على ثبوت المحاسبة يوم القيامة، و حصول التدقيق والمناقشة فى الحساب، و المطالبة بمثاقيل الذر من الأعمال والخطرات واللحظات، قال الله سبحانه: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقَسِطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنا حَاسِبِينَ» (انباء: ۴۷)... و الآيات والأخبار الواردة فى محاسبة الأعمال والسؤال عن القليل والكثير والتقىير والقطمير أكثر من أن تحصى، و بإزائها اخبار دالة على الأمر بالمحاسبة والمراقبة فى الدنيا، و الترفعى عليها، و على كونها سببا للنجاة والخلاص عن حساب الآخرة، و خطره و مناقشته. فمن حاسب نفسه قبل أن يحاسب، و طالبها فى الأنفاس و الحركات، و حاسبها فى الخطرات و اللحظات، و وزن بميزان الشرع أعماله و أقواله: خف فى القيامة حسابها و حضر عند السؤال جوابه، و حسن منقلبه و مأبه. و من لم يحاسب نفسه دامت حسراته، و طالت فى عرصات القيامة و قفاته، و قاداته إلى الخزى سبباته. (نراقى، بی تا، ج ۳، ص ۸۹-۹۱)

همان‌گونه که در عبارت فوق هم اشاره شده است، بسیاری از روایات محاسبه نفس نیز همین نکته قرآنی را در نظر دارند و همسوی با آن و با الهام از آن، انسان را به محاسبه نفس خود پیش از فرارسیدن محاسبه بسیار سخت و نفس‌گیر قیامت فرامی‌خوانند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر برای حساب و کتاب روز قیامت هیچ هول و هراسی غیر از خوف عرضه شدن همه افعال و اعمال به حضرت حق و شرم از رسوایی دریده شدن پرده ستر از روی پنهانی‌ها و مخفیات نبود، جای آن داشت که آدمی هرگز از محاسبه اعمال خود غفلت نوردد» (مصباح الشریعة، ص ۸۵)؛ و همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش به ابوذر فرمودند: «پیش از آنکه به حساب رسیدگی شود، خود را محاسبه کن؛ که این محاسبه برای حساب فردایت آسان‌کننده‌تر است؛ و پیش از آنکه تو را به میزان سنجش نهند، خود را بسنج و خود را برای روز حساب و عرضه بزرگ آماده کن؛ روزی که هیچ امر پنهانی بر خدا مستور نماند. ای ابوذر! از خدا شرم داشته باش» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۴).

در ادامه به دسته‌بندی تحلیلی آیات محاسبه نفس و بررسی بازتاب این آیات در نوشته‌های عرفانی درباره مقام سلوکی محاسبه نفس می‌پردازیم.

## ۱. دستور صریح قرآن به محاسبه نفس

«وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸)؛ و هر کس باید بنگرد که برای فردا [ی قیامت خود] از پیش چه فرستاده است. این آیه، مشهورترین دستور قرآنی درباره محاسبه نفس است. در واقع این آیه کریمه از قرآن، بیشترین ارتباط و پیوستگی را با محاسبه نفس دارد و از همین روست که در بسیاری از آثار اهل معرفت برای اشاره به ریشه‌های قرآنی دستور سلوکی محاسبه نفس، به آن اشاره شده است.

### ۱-۱. بازتاب این آیه در آثار عرفانی

عارف شاخص در باب محاسبه نفس، حارث محاسبی (متوفای ۲۴۳ق) است. وی را به سبب اهتمام ویژه‌اش که به محاسبه نفس، به این نام خواندند. (ر.ک عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵). افزون بر آنکه روح و محتوای محاسبه نفس در کتاب وی با عنوان *الرعایة لحقوق اللّٰه* موج می‌زند. او در باب «محاسبه نفس در این کتاب، به بررسی تفصیلی این مبحث پرداخته و آیه هجدهم سوره حشر را به عنوان دستور قرآنی محاسبه نفس آورده است. «المحاسبة ... فی مستدبر الأعمال نطق بها الكتاب و السنة و قالت بها علماء الأمة. فأما الكتاب فقولہ تعالیٰ: یا ائیها الذین آمنوا اتقوا اللّٰه و لتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ (محاسبی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۰).

صراحت این آیه به ضرورت پرداختن به محاسبه نفس موجب شد تا *خواجہ عبداللہ انصاری* هم در دو کتاب مهم *صد میدان و منازل السائرین* برای نشان دادن ریشه قرآنی منزل محاسبه، به آن استشهاد کند (انصاری، ۱۳۷۷، ص ۲۶۶؛ ۱۴۱۷ق، ص ۳۹). انگشت گذاشتن پیر هرات بر این آیه در هر دو کتاب یاد شده، نشان از اهمیت ویژه این آیه نزد عارفان پیرامون منزل محاسبه دارد؛ زیرا مصنف در این دو کتاب، برای هر منزل عرفانی تنها به یک آیه از قرآن استشهاد کرده است و با این حال در هر دو کتاب خود مناسب‌ترین آیه درباره محاسبه را همین آیه دیده است. بسیاری دیگر از نوشته‌های عارفان در باب محاسبه نفس، با این آیه همراه شده‌اند (غزالی، بی تا، ج ۶، جزء ۱۵، ص ۲۳؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۳۹۴؛ خوارزمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۴؛ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۶۵؛ نراقی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۰۶).

### ۲. آیات مربوط به «حساب»، «روز حساب» و موارد مشابه

آیات بسیاری از قرآن کریم به حساب و کتاب قیامت اشاره دارند. خداوند در قرآن کریم از قیامت با عنوان «روز حساب» یاد می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که خود، حساب و کتاب بندگان را در قیامت، به عهده خواهد داشت. همچنین یکی از اسمای حسنی الهی که در قرآن مجید تکرار شده، «سریع الحساب» است؛ و خداوند متعال گناهکارانی را که اهل جهنم‌اند از «سوء الحساب» برحذر داشته و به بهشتی‌ها وعده حساب آسان داده است.

واژگان «یَوْمِ الْحِسَابِ» چهار بار (ص: ۱۶، ۲۶، ۵۳؛ غافر: ۲۷) و «يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم: ۴۱) یک بار در قرآن کریم آمده‌اند. همچنین در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام «يَوْمِ الدِّينِ» در آیه شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد: ۴) به «یوم‌الحساب» تفسیر شده است؛ چنانکه این تفسیر از امام علی علیه السلام نیز منقول است.<sup>۲</sup>

واژه «حساب» در موارد دیگری از قرآن کریم هم که در آنها سخن از رسیدگی به حساب بندگان، از سوی خداوند متعال هست، به چشم می‌خورد:

«فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ» (رعد: ۴۰)؛ تو فقط مأمور ابلاغ هستی و حساب بر ما است.

«إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ \* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیة: ۲۵-۲۶)؛ به یقین بازگشت آنان به‌سوی ماست؛ و مسلماً حسابشان نیز با ماست.

«وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (مؤمنون: ۱۱۷)؛ و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند که برای آن برهانی نخواهد داشت، حسابش نزد پروردگارش است.

«سَفَرَعُ لَكُمْ آيَةُ الثَّقَلَانِ» (الرحمن: ۳۱)؛ ای گروه انس و جن! به زودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت.<sup>۳</sup>  
 نکته دیگری که در قرآن کریم به شیوه‌های گوناگون بر آن تأکید شده؛ «سَرِيعُ الْحِسَابِ» بودن خداوند (بقره: ۲۰۲؛ آل عمران: ۱۹ و ۱۹۹؛ مائده: ۴؛ رعد: ۴۱؛ ابراهیم: ۵۱؛ نور: ۳۹؛ غافر: ۱۷) و بلکه «أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» بودن آن ذات متعال است: «أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام: ۶۲).

همچنین خداوند متعال در مواردی، بندگان را از «سوء‌الحساب» و «حساب شدید» برحذر داشته و به بندگان نیک خود مزده حساب آسان داده است:

«أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ» (رعد: ۱۸). برای آنها حساب بدی است و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است!

«وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (رعد: ۲۱)؛ و آنها که پیوندهایی را که خدا به برقراری آن دستور داده است، برقرار می‌دارند و از پروردگارش می‌ترسند و از بدی حساب بیم دارند.

«وَكَايِنُ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّيْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا» (طلاق: ۸)؛ و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی بس زشت عذاب کردیم.

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِحِمْبِهِ \* فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (انشقاق: ۷-۸)؛ پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، به زودی حساب آسانی برای او می‌شود.

فصل مشترک همه این آیات وجود کلمه «حساب» در همه آنها، و در نتیجه، تأکید بر حساب و کتاب روز قیامت است. تأکید بر این مسئله، در هر کدام از این آیات، به گونه‌ای کاملاً مشهود است. و همچنان که پیش‌تر نیز

گذشت، یادآوری حساب و کتاب قیامت، به شکلی بر تأکید بیشتر به حسابرسی اعمال در دنیا نیز دلالت دارد؛ و از این روست که در برخی آثار عرفانی در زمینه محاسبه، اشاره به این دست از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد.

## ۲-۱. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

این دسته از آیات قرآن کریم نیز اشاره‌ای روشن به ضرورت پرداختن به محاسبه نفس دارد؛ از این رو نوشته‌های عرفانی در زمینه محاسبه نفس، به فراوانی به این دسته از آیات تمسک جسته‌اند.

منجی ششم، مراقبه و محاسبه است: بدان که... محاسبه، حساب قول و فعل نفس خود نگاه داشتن است تا بی حساب نکند و به خسران و زیان نیفتد و مستحقّ خطاب و عتاب نگردد... حساب خود نگاه دار تا در روز حساب به شومی قول و فعل ناصواب، از ثواب محروم و به عذاب و عقاب مبتلا نشوی (خلخال، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰).

کسی که محاسبه نفس خود را دقیق‌تر از محاسبه شریک و عامل خود نکند، از اهل تقوا و ورع نیست؛ بلکه یا به روز حساب اعتقاد ندارد یا احمق است؛ زیرا عاقلی که به شدید عذاب آن روز و رسوایی و فضیحت و حیا و خجلت آن اعتقاد داشته باشد و بداند که محاسبه نفس در دنیا آن را ساقط می‌کند یا سبک‌تر می‌سازد، چگونه آن را ترک کند! (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۷۰۱).

در هر دو عبارت یاد شده، سخن بر سر آن است که محاسبه در دنیا تسهیل‌کننده محاسبه اعمال انسان در روز حساب است. واژگان «روز حساب» که در این عبارات و عبارات مشابه آمده، برگردان «یوم الحساب» و برگرفته از قرآن کریم و یادآور طایفه‌ای از آیات شریفه مربوط به روز حساب است؛ چنانکه سید بن طاووس نیز در توضیح محاسبه نفس، با اقتباس از این دست از آیات قرآن کریم، از واژگان «مالک یوم الحساب»<sup>۴</sup> استفاده کرده تا با یادآوری این بخش از آیات قرآن کریم، مخاطب خود را به سوی محاسبه نفس ترغیب کرده باشد: «...فیجلس بین یدی مالک یوم الحساب علی التراب أو بحسب ما یتهیأ جلوسه علیه بلزوم الأداب، و یحاسب نفسه محاسبه المملوک الضعیف الحقیر مع مالک المطلاع، علی الکبیر و الصغیر» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۷).

تفسیر **منهج الصادقین** نیز ترس از سوء الحساب را به عنوان انگیزه‌ای برای پرداختن به محاسبه نفس مطرح کرده است: «وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» و می‌ترسند از عذاب پروردگار خود عموماً؛ «وَيَخَافُونَ» و خوف دارند «سوء الحساب» از سختی حساب، خصوصاً، پس محاسبه نفس خود می‌کنند قبل از آنکه محاسبه ایشان کنند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۱۰۵).

همچنین حکیم **سبزواری** در شرح فقره «یا من هو سریع الحساب» از دعای جوشن کبیر، ضمن نقل تفسیری بدیع و همسو با محاسبه نفس از فیض کاشانی درباره سریع الحساب بودن خداوند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۸)، خواننده را به محاسبه نفس فراخوانده است (سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵).

خلاصه تفسیر فیض از «سریع الحساب» آن است که خداوند قبل از آخرت و در همین دنیا به حساب نیکوکاران و بدکاران رسیدگی می‌کند؛ بدین گونه که در این حسابرسی خاص، طاعات بندگان با توفیقات جدید

الهی، و گناهان آنها با سلب توفیق از آنها، پاسخ داده می‌شود. صاحب تفسیر بیان السعادة نیز همین تفسیر را از «سریع الحساب» مطرح کرده و همانند فیض به دنبال این تفسیر خواننده را به محاسبه نفس پیش از حساب خداوند فرا می‌خواند:

والله سَرِيعُ الْحِسَابِ... و انمودج محاسبه الله و مكافاته و مجازاته يكون مع العباد من اول التكليف و لا يشذ من اعمالهم حقيق و لا جليل الا يظهر شيء من مجازاته عليهم لو كانوا متبهمين لا غافلين. و لمعرفة هذا الامر امروا العباد بالمحاسبة قبل محاسبة الله؛ فان العبد اذا حاسب نفسه بان يكون مراقبا لها و محاسبا لاعمالها يظهر عليه ان كل فعل من الخير و الشر يستعقب فعلا آخر او عرضا من اعراض النفس او خلقا من اخلاقها. فحاسبوا عباد الله قبل ان تحاسبوا، حتى تعلموا ان الله لا يدع شيئا من اعمال العباد الا يجازيه (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸۵).

### ۳. آیات مربوط به بازخواست و سؤال از انسان در روز حساب

در آیات متعددی از قرآن کریم، سخن از مسئولیت انسان در پیشگاه داور متعال، و تأکید بر پرسش شدن از او در روز قیامت است. این دسته از آیات نیز در دل خود به گونه‌ای بر ضرورت پرداختن به محاسبه نفس دلالت دارند.

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۲-۹۳)؛ پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید از آنچه انجام می‌دادند.

«ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (نکاتر: ۸)؛ سپس در آن روز، شما از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد. «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶)؛ گوش و چشم و قلب، از همه پرسش خواهد شد.

«وَأِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» (زخرف: ۴۴)؛ و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است؛ و به زودی از شما سؤال خواهید شد. «وَوَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ آنها را نگه دارید که باید بازپرسی شوند.

#### ۳-۱. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

حارث محاسبی ذیل باب محاسبه‌النفس از کتاب *الرعاية لحقوق الله* به آیه شریفه «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» تمسک جسته است (محاسبی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۶) چنانکه نراقیین نیز ذیل مبحث محاسبه، به این آیه به عنوان یکی از ریشه‌های قرآنی مسئله محاسبه نفس استشهاد کرده‌اند (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۹۱؛ نراقی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۵).

آیه «وَوَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» نیز در برخی آثار برای اشاره به محاسبه نفس ذکر شده است. (طالقانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۳۷). البته باید توجه داشت که محتوای این آیه که به گونه‌ای محتوای همه آیات مندرج در این بخش هم هست، در برخی از روایات محاسبه نفس نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «هُوَ مَوْقِفُكُمْ وَمَسْأَلِكُمْ، فَأَعِدُوا الْجَوَابَ قَبْلَ الْوُقُوفِ وَالْمَسْأَلَةِ وَالْعَرَضِ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ، يَوْمَئِذٍ لَاتَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۵۳). و او

شما را بازداشت می‌کند و از شما باز می‌پرسد. پس [با محاسبهٔ نفس] آمادهٔ پاسخ شوید، پیش از بازداشت و پرسش و عرضه بر پروردگار جهانیان در روزی که جز به اذن او کسی دم نتواند زد. روشن است که در این حدیث، دو واژهٔ «مَوْقِفُكُمْ» و «مَسْأَلَتُكُم» اقتباس از آیه «فَقُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» است و امام صادق علیه السلام در این حدیث شریف با اقتباس از این آیه بر سفارش به محاسبه تأکید بیشتر کرده‌اند.

به هر روی «موافق قیامت» که در آیات این بخش به آنها اشاره شده و محل بازرسی و حسابرسی از انسان‌ها در آخرت است، امری است هولناک که تنها با محاسبهٔ نفس در دنیا می‌توان از آن نجات یافت. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «نفس خود را محاسبه کنید، پیش از آنکه از شما حساب آن را مطالبه کنند. به درستی که برای قیامت پنجاه موقف است که در هر موقعی هزار سال آدمی را نگاه می‌دارند و از او حساب می‌جویند.»<sup>۴</sup> مستفاد از این حدیث آن است که محاسبه در دنیا کفایت حساب این موقف‌ها را می‌کند (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۶).

#### ۴. آیات مربوط به مشاهده و محاسبه همه اعمال انسان از سوی خداوند

دیدن همهٔ اعمال همه انسان‌ها بدون هیچ قید و شرط و محدودیتی، از آموزه‌های پرتکرار در قرآن کریم است:

«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق: ۱۴)؛ آیا او نمی‌داند که خداوند (همهٔ اعمالش را) می‌بیند؟!

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱)؛ به راستی خداوند همواره بر شما نگاهبان است.

«وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا» (احزاب: ۵۲)؛ و خدا بر هر چیزی نگاهبان است.

«أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ» (بلد: ۷)؛ آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟

«وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ تأکید خداوند بر غافل نبودن از اعمال بندگان، ۹ بار در قرآن تکرار شده و این نمایانگر تأکید خداوند بر این مطلب مهم است. همچنین بسیاری از آیات قرآن کریم با تأکید بر دانا، بینا، آگاه و گواه بودن خداوند بر همهٔ اعمال انسان‌ها پایان یافته‌اند و خداوند سخن خود را در بیش از چهل آیهٔ قرآن با تأکید بر همین مطلب تمام کرده است. فرازهایی همچون «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»، «إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»، «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» و مشابهات آنها بارها در قرآن کریم تکرار شده‌اند. همچنین خداوند متعال بر نوشتن و ثبت و ضبط همهٔ اعمال انسان‌ها تصریح کرده است (یس: ۱۲؛ نساء: ۸۱؛ جاثیه: ۲۹).

#### ۴-۱. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

روشن است که توجه و ایمان به این نکته که همهٔ اعمال انسان در برابر دیدگان خداوندی است که خود داور روز حساب است، می‌تواند سالک را در تقویت انگیزه برای پرداختن جدی‌تر به محاسبهٔ نفس یاری کند. از این‌رو سعدالدین حمویه، از مشایخ قرن هفتم، برای اشاره به ریشه‌های قرآنی محاسبهٔ نفس، تنها به ذکر دو آیه، آن هم تنها از همین دسته از آیات، بسنده کرده است و آیه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» و کریمه «وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ



رَقِيبًا» را به عنوان دو آیه در باب محاسبه و مراقبه ذکر کرده است (جوبنی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۱)؛ چنانکه در کتاب *اخلاق* مرحوم شبر نیز به دو آیه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» و «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» تمسک شده است (شبر، ۱۳۷۴، ص ۴۳۵). آیه اخیر، مدّ نظر *ادهم خلخالی* نیز در باب محاسبه بوده است (خلخال، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰).

سید بن طاووس نیز به آیه «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (جائیه: ۲۹) که به نوشته شدن کارهای انسان در کارنامه اعمالش اشاره دارد، تمسک جسته است (ابن طاووس؛ کفعمی، ۱۳۷۶، ص ۱۳).

## ۵. آیات مربوط به مشاهده و محاسبه همه امور آشکار و پنهان از سوی خداوند

«وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاخْذَرُوا». (بقره: ۲۳۵)؛ و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند. پس، از او بپرهیزید.

«إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى» (اعلی: ۷)؛ او آشکار و نهان را می‌داند.

«إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ» (انبیاء: ۱۱۰)؛ او سخن آشکار را می‌داند و آنچه را پوشیده می‌دارید، می‌داند.

«وَإِنْ تَبُذُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۴)؛ اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می‌کند.

«رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۳۸)؛ پروردگارا! بی‌گمان تو آنچه ما پنهان می‌داریم و آنچه آشکار می‌سازیم، می‌دانی؛ و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند.

«قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۹)؛ بگو: اگر آنچه در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند؛ و نیز آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست.

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ» (غافر: ۱۶)؛ روزی که آشکار می‌شوند؛ چیزی از (اعمال و کردار) ایشان بر خدا پوشیده نباشد.

«وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (نساء: ۱۰۸)؛ و هنگامی که در مجالس شبانه سخنانی که خدا راضی نبود، می‌گفتند، خدا با آنها بود. خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

«إِنَّ الَّذِينَ يُجَادُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا» (فصلت: ۴۰)؛ کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کژ می‌روند، بر ما پوشیده نیستند.

«يَعْلَمُ خَائِبَةَ الْعَايِنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹)؛ او چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند.

### ۱-۵. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

آیه شریفه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ» از پرتکرارترین آیاتی است که در آثار عرفانی زمینه محاسبه نفس آمده است. حارث محاسبی (محاسبی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۵)، ابوحامد غزالی (غزالی، بی تا، ج ۶ جزء ۱۵، ص ۵)، خواجه نصیرالدین طوسی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸)، ورام بن اُبی فراس (ابن اُبی فراس؛ ابن عیسی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۲)، ابن میثم بحرانی (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲۱)، کمال خوارزمی (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷) و فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۴۹؛ همان، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۳) این آیه شریفه را سفارشی الهی به محاسبه نفس دانسته و در نوشته‌های خود ذکر کرده‌اند.

همچنین آیه «وَإِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ» تنها آیه‌ای است که مورد استشهدا روزبهان بقلی در باب محاسبه نفس قرار گرفته (بقلی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۷) و در برخی آثار دیگر نیز به این آیه و تأکید آن بر محاسبه نفس اشاره شده است (رک طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴).

### ع. آیات مربوط به آگاه‌سازی انسان از همه اعمالش در قیامت از سوی خداوند

«وَسَرِّدُونَنَا إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید و شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.

«إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵)؛ بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد.

«ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (انعام: ۶۰)؛ سپس بازگشت شما به سوی اوست و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید، با خبر می‌سازد.

«وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور: ۶۴)؛ و روزی که به سوی او بازمی‌گردند و او آنها را از اعمالی که انجام دادند، آگاه می‌سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست.

«وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزَنكَ كُفْرُهُ إِنَّا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا» (لقمان: ۲۳)؛ و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد، بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده‌اند، آگاه خواهیم کرد.

«إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (زمر: ۷)؛ بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌سازد.

«ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مجادله: ۷)؛ آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند، آگاه خواهد کرد؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعه: ۸)؛ بگو: آن مرگی که از آن می‌گریزید، قطعاً به سراغ شما می‌آید؛ آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده خواهید شد؛ و به آنچه [در روی زمین] می‌کردید، آگاهتان خواهد کرد.

«لَتُبْعَنَّ ثُمَّ لَتَنْبُؤَنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (تغابن: ۷)؛ به پروردگارم سوگند که همه شما برانگیخته خواهید شد؛ سپس همه کارهایتان به شما خبر داده می‌شود؛ و این برای خداوند آسان است.

«يُؤْتُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ» (قیامت: ۱۳)؛ در آن روز آدمی را به هر نیک و بدی که از اول تا آخر عمرش انجام داده است، آگاه می‌سازند.

«فَلَنَنْبِئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ» (فصلت: ۵۰)؛ بدون شک، کسانی را که کفران کرده‌اند، به آنچه انجام داده‌اند آگاه خواهیم کرد؛ و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشاند.

#### ۱-۶. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

اگرچه دلالت این دسته از آیات بر محاسبه نفس، به هیچ وجه کمتر از دلالت دیگر دسته‌ها نیست، اما در متون عرفانی مرتبط با محاسبه نفس اشاره چندان به این بخش از آیات به چشم نمی‌خورد. تنها مرحوم تجلیل تبریزی به آیه «وَسْتَرْدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» به عنوان یکی از آیات مرتبط با محاسبه نفس اشاره کرده است (تجلیل تبریزی، ۱۴۱۷ق، ج ۶ ص ۳۳۶).

ناگفته نماند که برخی در باب محاسبه، به آیه «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَسَوْءٌ نَزِيرٌ» تمسک بسته‌اند (برای نمونه ر.ک غزالی، بی تا، ج ۶، جزء ۱۵، ص ۵). اگرچه این آیه شریفه به دلیل فراز «فَيُنَبِّئُهُمْ» جزء همین دسته از آیات مورد نظر در این بخش قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد تأکید بیشتر عارفان در ذکر این آیه، بر بخش «أَحْصَاهُ اللَّهُ وَسَوْءٌ» است، که به نکوهش فراموش کردن حساب و کتاب قیامت اشاره دارد. توضیح بیشتر این نکوهش به زودی در جای خود خواهد آمد.

به هر حال چه به این دسته از آیات در باب محاسبه نفس تمسک شده باشد، و چه نشده باشد روشن است که این دسته نیز در دلالت خود، کمتر از سایر دسته‌ها نیست.

#### ۷. آیات مربوط به از قلم نیفتادن کوچک‌ترین اعمال در حساب دقیق قیامت

دسته‌ای دیگر از آیات قرآن کریم از محاسبه بسیار دقیق اعمال انسان در روز قیامت خبر می‌دهند؛ دارند، به گونه‌ای که کوچک‌ترین اعمال و گفتار انسان، حتی اگر به اندازه دانه خردلی یا به مقدار مثقال و کمتر از آن باشد نیز حساب خواهد شد.

«وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷)؛ و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهمیم. به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر [عمل انسان] هم‌وزن دانه خردلی باشد، آن را می‌آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم.

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸)؛ پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند، آن را خواهد دید؛ و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کند، آن را می‌بیند.

مطابق آیات قرآن، دقت فوق‌العاده بالای حسابرسی اعمال در روز قیامت به گونه‌ای است که موجب هراس بیش از اندازه و غافل‌گیری گناهکاران می‌شود. آنها از اینکه در کارنامه اعمالشان هیچ عمل خرد و کلانی نیست که فروگذار شده باشد، در شگفت می‌مانند:

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا (کهف: ۴۹).

و کارنامه عمل انسان در میان نهاده می‌شود. آن‌گاه بزهکاران را از آنچه در آن است، بیمناک می‌بینی؛ و می‌گویند: «ای وای بر ما این چه نامه‌ای است که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به شمارش آورده است» و آنچه را انجام داده‌اند، حاضر یابند؛ و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد.

### ۱-۷. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

جان کلام در این دسته از آیات آن است که در حساب روز رساخیز کوچک‌ترین ذره‌ای از قلم نمی‌افتد. چنین نکته مهمی برای اهل محاسبه نفس معنای ویژه‌ای دارد و آنها را به دقت هر چه بیشتر در محاسبه اعمال خود فرا می‌خواند، چنانکه امام صادق علیه السلام در سفارش به محاسبه نفس، به آیه شریفه «وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا» اشاره کرده‌اند (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۸۵). و از این جهت است که عارفان در نوشته‌های خود درباره محاسبه نفس، به این دسته از روایات نیز تمسک جست‌ه‌اند. ابوحامد غزالی، ورام بن ابی فراس و مرحوم شبر به هر سه آیه یاد شده در این دسته تمسک جست‌ه‌اند (غزالی، بی تا، ج ۶ جزء ۱۵، ص ۴؛ ابن ابی فراس؛ ابن عیسی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۱؛ شبر، ۱۳۷۴، ص ۴۳۵) و ابوطالب مکی به دو آیه ابتدایی - که در این دسته ذکر شد - اشاره داشته است (مکی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۲) همچنین خواجه نصیر طوسی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸) و میرزا جواد ملکی تبریزی (ملکی تبریزی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۷) به آیه نخست مذکور در این دسته و حسین بن عبد الصمد عاملی، پدر شیخ بهایی (عاملی، ۱۳۸۷، ص ۶۲) به آیه دوم، برای اشاره به محاسبه نفس، تمسک کرده‌اند.

### ۸. آیات مربوط به ارزیابی حساب انسان توسط خودش در روز قیامت،

«وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلَمَانُهُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخِرَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا \* أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء: ۱۳-۱۴)؛ و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند، بیرون می‌آوریم. نامه‌ات را بخوان؛ کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران: ۳۰)؛ روزی که هر کسی آنچه کار نیک بجای آورده و آنچه بدی مرتکب شده است حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن کارهای بد فاصله‌ای دور بود. خداوند شما را از [نافرمانی] خودش، برحذر می‌دارد؛ و خدا به بندگان مهربان است.

«يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (نبا: ۴۰)؛ روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است، بنگرد.

«فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا مِنِّي كِتَابِيهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ... وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ» (الحاقه: ۱۹-۲۶)؛ آنکه کارنامه‌اش به دست راست وی داده شود، می‌گوید: بگیرید کارنامه مرا بخوانید! بی‌گمان می‌دانستم که با حساب خویش روبه‌رو خواهم شد... و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم و حساب خود را نمی‌دانستم.

«وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ \* عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (انفطار: ۴-۵)؛ و آن‌گاه که گورها زیر و زبر شوند، هر کسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته است بداند.

### ۱-۸. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

حال که هر انسانی به ناچار حسابرس اعمال خود در قیامت خواهد بود، پس بهتر است تا فرصت دارد در همین دنیا به محاسبه اعمال خود بپردازد. این نکته موجب شده است تا عارفان به این دسته از آیات نیز برای مقام محاسبه تمسک جویند.

هر آینه رونده راه باید که در دو ساعت به مطالعه دفتر عمر خود... مشغول شود؛ تا چون سال عمر تمام شود و به حضرت پادشاه حقیقی باید رفتن، و دفتر عمر را مطالعه نکرده باشد و شب و روز را به غفلت گذرانیده و غم کار نخورده، و چون به حسابگاه قیامت حاضر آرند، دفتر پریشان نامه اعمال به او دهند و گویند: «أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»؛ حساب عمر از وی بازخواهند. بنده بیچاره خجل شود؛ حسرت بر وی مستولی گردد؛ در آن ساعت ندامت سود ندارد و پشیمانی دست نگیرد؛ تدارک احوال نتواند کردن، بیچاره با هزار حسرت و ندامت به آتش دوزخ گرفتار شود. پس این عزیزان، این مرتبه محاسبه را رعایت بسیار کرده‌اند و متابعان را با این معنای مداومت فرموده‌اند؛ تا چون به آن عالم روند، نامه اعمال را پاک یافته باشند و از حساب دشوار امان یافته باشند (جوینی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶).

همچنین در *احیاء العلوم* و در مجموعه ورام به آیه دوم مذکور در این دسته تمسک شده است (غزالی، بی‌تا، ج ۶ جزء ۱۵، ص ۵؛ ابن ابی فراس، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۳۲).

### ۹. آیات مربوط به مشاهده اعمال انسان از سوی پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم

«وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به‌زودی خدا و پیامبر او و امامان معصوم،<sup>۷</sup> در کردار شما خواهند نگرست.

«وَيَوْمَ نَبَعَثْ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ» (نحل: ۸۹)؛ روزی که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها معبوث می‌کنیم و تو را گواه آنها قرار می‌دهیم.

### ۱-۹. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

سید بن طاووس با اشاره به روایاتی که در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره توبه وارد شده‌اند و بر دیدن اعمال انسان از سوی پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت معصوم ایشان تأکید دارند، ضرورت اهتمام هر چه بیشتر اهل محاسبه به

اعمال و کردار خود را استفاده کرده است. او در رساله محاسبه نفس، با تمسک به برخی روایات<sup>۸</sup> بر آن است که دوشنبه و پنجشنبه هر هفته، دو روز مهم برای اهل محاسبه نفس است؛ چون در این دو روز است که اعمال مردم به خداوند و پیامبر و اهل بیت پاکش گزارش می‌شود؛ و کسی که اهل محاسبه نفس است؛ نمی‌تواند از کنار چنین روی داد مهمی بی‌اعتنا بگذرد؛ بلکه به سفارش سید بن طاووس اهل محاسبه باید در این دو روز خاص، احتیاط بیشتر و مراقبات بیشتری نسبت به سایر روزهای هفته داشته باشند؛ زیرا به تعبیر وی، عقل و نقل هر دو حکم می‌کنند که بنده به هنگام حضور در پیشگاه سلطان، و عرضه و گزارش اعمالش بر او، مهیا و محتاط‌تر باشد (ابن طاووس؛ کفعمی، ۱۳۷۶، ص ۱۶ - ۲۰).

امام خمینی<sup>۹</sup> هم در برخی سخنان خود، دیده شدن اعمال از سوی امام زمان<sup>۱۰</sup> را دلیلی بر ضرورت اهتمام بیشتر به محاسبه اعمال دانسته‌اند.

خودتان حسابتان را بکشید، قبل از اینکه حسابگرها حساب شما را بکشند... و در روایات هم هست که هفته‌ای دو مرتبه اعمال عرضه می‌شود بر ولی امر؛ بر امام زمان سلام الله علیه. توجه داشته باشید که در کارهایتان جووری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان - سلام الله علیه - خدای نخواستہ آزردہ بشود و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشود، که اینها شیعه‌های من هستند؛ اینها دوستان من‌اند و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعلی می‌شود (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۵۸).

۱۰. آیات مربوط به مشاهده اعمال انسان از سوی ملائکه و سایر شاهدان در روز حساب و گواهی ایشان بر ضد او در تعدادی از آیات شریفه قرآن کریم، از گواهان و شاهدانی سخن رفته است که در هنگام محاسبه اعمال در یوم الحساب، بر ضد انسان گناهکار گواهی می‌دهند:

«وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا كَاتِبِينَ \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (انفطار: ۱۰-۱۲)؛ و بی‌گمان نگاهبانانی [از ملائکه] بر شما گمارده شده‌اند، والا مقام و نویسنده که می‌دانند شما چه می‌کنید.

«مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق: ۱۸)؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است.

«إِنَّ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (طارق: ۴)؛ هیچ انسانی نیست، مگر آنکه فرشته‌ای اعمال او را ثبت می‌کند.<sup>۹</sup>  
«وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» (ق: ۲۱)؛ و هر کسی [در قیامت] می‌آید؛ در حالی که با او فرشته‌ای سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده است.

افزون بر این آیات که درباره شهادت ملائکه الله است، قرآن کریم از شهادت اعضا و جوارح انسان (نور: ۲۴ و فصلت: ۲۰-۲۱ و یس: ۶۵) و حتی شهادت زمین هم بر ضد انسان (زلزال: ۴-۵) خبر می‌دهد که این بخش از آیات قرآن نیز به نوعی در همین دسته از آیات جای می‌گیرند.

## ۱-۱. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

هر سه آیه‌ای که سید بن طاووس برای نشان دادن ریشه‌های قرآنی محاسبه نفس در رساله خود آورده، آیاتی از همین دسته و مربوط به شهادت ملائکه الله درباره اعمال انسان است:

الباب الأول فیما نذکره من الآیات التي تقتضی ذکر الاهتمام بمحاسبة النفس لحفظة الكرام: قال الله جل جلاله: «وَأَنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ». و قال الله جل جلاله فی كتابه المجید: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ». و قال جل جلاله لقوم یعقلون: «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». فوجب الاهتمام بالحفظ من الأثام و الأجرام و تطهير الصحائف التي تقتضی الاحتیاط علی يد الملائكة الكرام. (ابن طاووس؛ کفعمی، ۱۳۷۶، ص ۱۲).

شهید ثانی نیز با یادآوری دو ملکی که مأمور ثبت اعمال انسان هستند، مخاطب خود را به محاسبه نفس فرا می‌خواند: «... فهكذا ينبغي المحاسبة على الأنفاس، و على عمل القلب و الجوارح فی كل ساعة. و من تساهل فی حفظ المعاصی فالملکان یحفظان علیه». (شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۰۷؛ رک جوینی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶؛ غزالی، بی تا، ج ۶ جزء ۱۵، ص ۲۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۸، ص ۳۹۱).

## ۱.۱ آیات مربوط به نکوهش فراموشی یا انکار حساب و کتاب قیامت

یکی از ویژگی‌های ناپسند جهنمی‌ها که در قرآن نکوهش شده، فراموش کردن روز حساب و اعمال بدی است، که در آن روز محاسبه می‌شود؛ و البته بدتر و نکوهیده‌تر از فراموشی، انکار حساب است.

«إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶)؛ در حقیقت، کسانی که از راه خدا به در می‌روند، به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت.

«يَوْمَ يَعْتَصِمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَسَوَّاهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (مجادله: ۶)؛ در آن روز خداوند همه آنها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند، با خبر می‌سازد؛ اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته است و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (کهف: ۵۷)؛ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که به وسیله آیات پروردگارش پندش دهند؛ ولی او از آنها روی برگرداند و آنچه را با دست‌های خود پیش فرستاد، فراموش کند؟

«أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» (انبیاء: ۱)؛ برای مردم حسابشان نزدیک شده است. و آنان در بی‌خبری روی گردان‌اند.

«إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنْآ لَمَدِينُونَ» (الصافات: ۵۳)؛ آیا چون بمردیم و خاک و استخوانی چند شدیم، اعمالمان مورد حساب و بررسی قرار خواهد گرفت؟<sup>۱۰</sup>

«وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ \* الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (الطور: ۱۱)؛ وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! همان‌ها که

«إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا \* وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا» (۲۸ النبأ)؛ آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند و آیات ما را سخت تکذیب می کردند.

### ۱-۱۱. بازتاب این دسته از آیات در آثار عرفانی

آیه ششم از سوره مجادله آیه‌ای است که در میان این دسته از آیات، مورد توجه عارفان در سخنان خود درباره محاسبه نفس قرار گرفته است (غزالی، بی تا، ج ۶، جزء ۱۵، ص ۴ و ۲۶؛ ابن ابی فراس؛ ابن عیسی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۱؛ خوارزمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ص ۸۰۶؛ شبیر، ۱۳۷۴، ص ۴۳۵). در این آیه، خداوند از گناهانی می گوید که خود انسان آنها را فراموش کرده؛ ولی داور متعال همه آنها را احصا نموده است. طبیعتاً کسی که اهل محاسبه نفس است، با دیدن این آیه و آیات مشابه، تلاش خواهد کرد تا با بالا بردن سطح محاسبه خود، از دایره مصادیق کسانی که روز حساب و اعمال خود را فراموش کرده‌اند، خارج شود.

آیت‌الله حسن زاده آملی نیز با یادآوری آیه ۲۶ سوره ص بر ضرورت توجه بیشتر به محاسبه نفس تأکید کرده‌اند (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۶).

### نتیجه‌گیری

همان گونه که برخی عارفان اشاره داشته‌اند، آیات بسیاری از قرآن به نوعی به ضرورت پرداختن به محاسبه نفس اشاره دارند. توضیح این مطلب گذشت که چگونه آیاتی که در آنها سخنی از حساب و کتاب آخرت هست و آیاتی که سخن از گواهان بر اعمال انسان دارند، بیشترین و روشن ترین دلالت را بر محاسبه نفس دارند. این آیات را می توان مطابق آنچه در مقاله گذشت، در چند بخش دسته بندی کرد. ذیل هر کدام از این دسته ها نیز تعدادی از آیات قرآن کریم قرار می گیرند.

در میان نحله ها و گرایش های مختلف علوم اسلامی، عارفان مسلمان بیشترین توجه را به مبحث محاسبه نفس داشته اند و از این رو بیش از دیگران به آیات مرتبط با محاسبه نفس پرداخته اند. با این حال هیچ کدام از عارفان در مقام احصا و جمع آوری همه آیات مربوط به محاسبه بر نیامده اند. آنچه برای آنها مهم بوده، ذکر حداکثر چند آیه برای اثبات وجهه قرآنی دستور سلوکی محاسبه نفس بوده است.

اما اگر بخواهیم در فقه السلوک، به شکل تحلیلی و مدون، نگاه شریعت اسلامی و آموزه های قرآنی به مسئله محاسبه نفس را بررسی کنیم، ضروری است که نگاه تفصیلی تری به آیات مرتبط با محاسبه نفس داشته باشیم. این پژوهش قدمی در این مسیر برداشته و آیات محاسبه نفس را در یازده دسته تحلیل کرده و بیشترین آیات مرتبط با محاسبه نفس را در این یازده دسته، به شکل تفصیلی گنجانده است. کمترین فایده چنین پژوهشی، روشن شدن هر چه بیشتر نگاه قرآنی به این دست از مباحث عرفانی است.



## پی‌نوشت

۱. ناگفته نماند که مرحوم تجلیل تبریزی در کتاب *معجم المحاسن و المساوی* آیات بسیاری را ذیل باب محاسبه نفس گنجانده است؛ ولی متأسفانه جز برخی آیات معدود که در ابتدای این باب ذکر شده‌اند، اکثر این آیات، ارتباط چندانی با محاسبه نفس ندارند و بیشتر مرتبط با توصیف روز قیامت و ویژگی‌های آن هستند. گمان نگارنده بر آن است که در این بخش، اشتباهی صورت گرفته است (ر.ک تجلیل تبریزی، ۱۴۱۷ق، ج ۶ ص ۳۳۶-۳۳۸).
۲. «قوله عز و جل مالکِ یَوْمِ الدِّینِ؛ قال الإمام علیه السلام «مالکِ یَوْمِ الدِّینِ» اى قادر على إقامة یوم‌الدین، و هو یوم‌الحساب، ... قال: و قال أميرالمؤمنین علیه السلام: «یَوْمِ الدِّینِ» هو یوم الحساب» (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹، ص ۳۸).
۳. این ترجمه، بر اساس تفسیر امثال علامه در *المیزان* است: «فمعنی «سَنَفَرُغُ لَكُمْ» سنطوی بساط النشأة الأولى و نشتغل بکم. و تبیین [من] الآیات التالية أن المراد بالاشتغال بهم بعثهم و حسابهم و مجازاتهم بأعمالهم خیرا أو شرا» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۰۶).
۴. همان‌طور که گذشت در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام آیه شریفه «مالکِ یَوْمِ الدِّینِ» به «مالکِ یَوْمِ الحِساب» تفسیر شده است.
۵. *ملاصالح مازندرانى* در شرح خود بر این حدیث، محاسبه نفس را عامل آمادگی برای پاسخ به درگاه الهی دانسته است: «فأعدوا الجواب قبل الوقوف و المسائلة و العرض على رب العالمین؛ اى فاعدوا الجواب النافع لكم و حاسبوا أنفسکم قبل الوقوف بين یدى الله عز و جل و قبل المسائلة و العرض عليه» (مازندرانى، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱، ص ۱۹۵).
۶. «فحاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا علیها فإنَّ لِقِيَامَةِ حَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مِقْدَارُهُ أَلْفٌ سَنَةٍ ثُمَّ تَلَا فى یَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۴۳).
۷. این ترجمه بر مبنای احادیث فراوانی است که «أَلْمُؤْمِنُونَ» در آیه یاد شده را به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر کرده‌اند. برای نمونه، به این دو حدیث توجه کنید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فى قَوْلِهِ «وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنُونَ هَاهُنَا الْأَئِمَّةُ الطَّاهِرُونَ». (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۴).  
«عَنْ بَرِيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ إِيَّانَا عَنِّي» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۲۷).
۸. «فمن ذلك ما ذكره جدى أبو جعفر الطوسى فى كتاب التبيان» (طوسى، بی تا، ج ۵، ص ۲۹۵). «فى تفسیر هذه الآية»: «وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ: وَرَوَى فى الخبر: أَنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فى كُلِّ إِنْتِينٍ وَحَمِيسٍ فَيَعْلَمُهَا وَكَذَلِكَ تُعْرَضُ عَلَى الْأَئِمَّةِ علیهم السلام فَيَعْرِفُونَهَا وَهُمْ الْمُعْتَبُونَ بِقَوْلِهِ: «وَالْمُؤْمِنُونَ». (ابن طاووس؛ کفعمی، ۱۳۷۶، ص ۱۶).
۹. این ترجمه بر مبنای برخی تفاسیر، از جمله *المیزان* است: «و المراد من قيام الحافظ على حفظها كتابة أعمالها الحسنة و السيئة على ما صدرت منها ليحاسب عليها يوم القيامة و يجزى بها فالحافظ هو الملك و المحفوظ العمل كما قال تعالى: وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ»؛ (الانفطار: ۱۲)؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۵۹).
۱۰. این ترجمه، بر مبنای تفسیر مقاتل است: إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَدِينُونَ يعنى «المحاسبين» فى أعمالنا

(بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۰۸) میبیدی نیز در تفسیر خود می‌نویسد: «إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ» مجزیون و محاسبون. استفهام انکارست، می‌گوید: ما چون بمردیم و خاک گردیم و استخوان، باز انگیختنی‌ایم، و با ما شمار کردنی و پاداش دادنی؟ (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۷۴) حارث محاسبی هم در باب محاسبه نفس از کتاب خود، همین معنا را برای آیه مطرح کرده است (محاسبی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۸).

۱۱. این ترجمه، بر مبنای تفسیر مقاتل است: الَّذِينَ يُكذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ یعنی بیوم الحساب (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۲۲، ر.ک: محاسبی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۸).

۱۲. افزون بر آیه فوق، آیه «وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ» (مدثر: ۴۶) را نیز برخی مفسران به تکذیب روز حساب، تفسیر کرده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۹۹؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۱۹). هرچند تعداد مفسرانی که بیوم‌الدین را در این دو آیه به روز جزا تفسیر کرده‌اند بیشتر است.

## منابع

- ابن ابی فراس، ورام و همکاران، ۱۴۱۰ق، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام*، قم، مکتبه فقیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹ق، *إقبال الأعمال*، چ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶، *محاسبه النفس*، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر کتاب.
- اردبیلی، سیدعبدالغنی، ۱۳۸۵، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، چ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امینی نژاد، علی، ۱۳۹۴، *آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی* (کلیات، تاریخ عرفان، عرفان نظری، عرفان عملی و ...)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۷۷، *صد میدان* (مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری)، چ دوم، تهران، توس.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ق، *منازل السائرين*، قم، دارالعلم.
- بارفروش، عبدالرضا، ۱۳۸۵، *آسیب شناسی عرفان*، تهران، راه نیکان.
- بقلی شیرازی، روزبهان، ۱۴۲۶ق، *مشرب الأرواح*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، ۱۴۱۷ق، *معجم المحاسن و المساوی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- جوینی، سعدالدین حمویه، ۱۳۸۳، *مقاصد السالکین (ابن برگ های پیر)*، چ دوم، تهران، نی.
- حسن بن علی، ۱۴۰۹، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري*، قم، مدرسه الإمام المهدی.
- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۶۵، *هزار و یک نکته*، چ پنجم، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- خلخالی، ادهم عزلتی، ۱۳۸۱، *رسائل فارسی ادهم خلخالی*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خوارزمی، کمال الدین حسین، ۱۳۸۴، *ینوع الأسرار فی نصاب الأبرار*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- روحانی نژاد، حسین، ۱۳۹۴، *نقد عرفان های صوفیانه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سبزواری، ملاهادی، ۱۳۷۲، *شرح الأسماء الحسنی*، تهران، دانشگاه تهران.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، مطابق نسخه نرم افزار جامع التفاسیر نور.
- شبر، عبدالله، ۱۳۷۴، *اخلاق*، قم، هجرت.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۵، *آسیب شناسی عرفان و تصوف*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۲۱ق، *رسائل الشهد الثانی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، چ دوم، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- طالقانی، نظرعلی، ۱۳۷۳، *کاشف الاسرار*، تهران، رسا.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۷۳، *اوصاف الاشراف*، چ سوم، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دارالثقافه.
- \_\_\_\_\_، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، حسین بن عبد الصمد، ۱۳۸۷، *نور الحقیقه و نور الحدیقه*، تهران، فکر.
- عصار، محمدکاظم، ۱۳۷۶، *علم الحدیث (مجموعه آثار عصار)*، تهران، امیرکبیر.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۸۶، *تذکرة الأولیاء*، چ شانزدهم، تهران، زوار.

- غزالی، ابوحامد محمد، بی تا، *إحياء علوم الدين*، بیروت، دارالکتب العربی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۶ق، *روضه الطالبین و عمدة السالکین* (در مجموعه رسائل الإمام الغزالی)، بیروت، دارالفکر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۲، *مکاشفة القلوب المقرب إلى علام الغیوب*، چ چهارم، بیروت، دارالمعرفه.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تهران، صدر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ق، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، چ چهارم، قم، جامعه مدرسین.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۳ق، *الحقائق فی محاسن الاخلاق*، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، چ سوم، قم، دارالکتب.
- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحديث.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، *شرح الکافی؛ الأصول والروضه*، تهران، المکتبه الإسلامیه.
- محاسبی، الحارث بن اسد، ۱۴۲۰ق، *الرعاية لحقوق الله*، مصر، دارالبیقین.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکی، ابوطالب، ۱۴۱۷ق، *قوت القلوب فی معامله المحبوب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، ۱۳۷۲، *اسرار الصلوة*، تهران، پیام آزادی.
- منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعة*، بیروت، اعلمی.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح الله، بی تا، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نراقی، محمدمهدی، بی تا، *جامع السعادات*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۷، *معراج السعاده*، چ پنجم، قم، مؤسسه دار هجرت.